



اشاره | شکی نیست که هر نظام و حکومتی، اهدافی دارد که در راستای تحقق آن اهداف، کلیه سیاست‌گذاری‌ها، برنامه‌ریزی‌ها، تعاملات، هماهنگی‌ها و اقدامات خود را ساماندهی می‌کند؛ که این اهداف هم شامل اهداف ایجابی و هم اهداف سلبی است. اهداف ایجابی نظیر افزایش تراز تجاری با کشورهای منطقه و جهان، انتقال دانش و تکنولوژی به داخل و اهداف سلبی، نظیر پیشگیری از تهدید امنیت و تمامیت ارضی، جلوگیری از شکل‌گیری اجماع علیه حاکمیت ملی در مجامع معتبر جهانی و ... است. البته دستیابی به اهداف (چه ایجابی و چه سلبی) در بیشتر موارد، منوط به شکل دادن یا اصلاح نگرش ذهنی همه کسانی است که به نوعی (مستقیم یا غیرمستقیم) می‌توانند نقشی در زمینه‌سازی آن اهداف یا رفع موانع رسیدن به آن را داشته باشند.

یادداشت



حجت‌الاسلام
حمیدرضا
مهدوی‌ارفع



نقش دیپلماسی فرهنگی
در مکتب شهید سلیمانی

بین‌المللی جمهوری اسلامی و چه در بسترسازی حضور و فعالیت شخصیت‌ها و مجموعه‌های فرهنگی مردمی ایران در مناطق تحت پوشش جبهه مقاومت، همگی حکایت از درایت و هوش سرشار سردار در عرصه دیپلماسی فرهنگی دارد. نمونه‌ای از بحرطویل دیپلماسی فرهنگی سردار دل‌ها، اهتمام جدی ایشان برای مأنوس ساختن فرماندهان و رزمندگان جبهه مقاومت با نهج‌البلاغه است که افتخار این خدمت از طریق سردار سلیمانی، نصیب بنده حقیر و هم‌زمانم در نهضت جهانی نهج‌البلاغه خوانی گردید.

دیپلماسی فرهنگی؛ یک تیر و سه نشان

علیرغم پررنگ شدن جنبه امنیتی و نظامی نیروی قدس، سردار سلیمانی نه تنها غفلت از دیپلماسی فرهنگی را جایز ندانست، بلکه بر کمیت و کیفیت فعالیت‌های نیروی قدس در عرصه دیپلماسی فرهنگی افزود. این سیاست، مبتنی بر یک شناخت و تحلیل درست از جبهه دشمن بود. دشمنی که با در اختیار داشتن غول‌های رسانه‌ای و لابی‌های گسترده در سازمان‌های بین‌المللی، به راحتی می‌تواند جای شهید و جلا را تغییر دهد. در واقع، سپهبد شهید سلیمانی در پرتو این رویکرد، به سه هدف بسیار استراتژیک دست یافت:

نخست: تسخیر دل‌های انسان‌های منصف و باوجدان منطقه و جهان به خویش و مکتب خویش؛ دوم: پیشگیری از تخریب چهره جمهوری اسلامی و جبهه مقاومت در اذهان مردم و بعضاً حاکمان مناطق درگیر جنگ و ناامنی که نمونه بارز این مصداق را باید در همراهی و هماهنگی بسیار بالای بشار اسد با سیاست‌های رهبر معظم انقلاب و نظام اسلامی

افکار عمومی و نوع نگاه جامعه انسانی به یک اقدام و تصمیم، نقش تعیین‌کننده‌ای در به ثمر نشستن یا ناکامی آن دارد. بر این اساس، دیپلماسی به معنای رفتارها و تعاملاتی که زمینه تسهیل دسترسی به اهداف را فراهم می‌کند و از ضرورت‌های حکمرانی و حتی مدیریت‌های خرد است. یکی از مهم‌ترین انواع دیپلماسی، دیپلماسی فرهنگی است؛ معرفی افکار، آداب و رسوم ملی به ملت‌های کشور هدف، می‌تواند ضمن جذب منافع مادی مستقیم، تصویری منطقی، انسانی و صلح‌طلب از یک ملت و حتی حکومت و حکمرانان آن ملت را در ذهن مخاطب، ترسیم نماید و از این رهگذر هم زمینه پذیرش سیاست‌های آن کشور را فراهم کند، هم از مخالفت و مقاومت‌های احتمالی پیشگیری نماید.

سلیمانی و هنر دیپلماسی فرهنگی

آنجا که سخن از مکتب سلیمانی به عنوان جلوه‌ای کامل و مؤثر از مکتب امام به میان می‌آید، نقش گفتگو، تبیین و رایزنی‌های مؤثر فرهنگی، به وضوح به چشم می‌خورد. شهید سلیمانی بعد از قریب به ۴۰ سال سابقه مفید در عرصه فرماندهی، از زمانی که پرچم نیروی قدس سپاه را بر عهده می‌گیرد، به خوبی می‌داند که اگر بخواهد در عرصه نظامی موفق باشد، باید ابتدا در دیپلماسی فرهنگی پیشرو باشد. از شواهد این مدعا، حجم بالای سخنرانی‌های این شهید در ده سال پایانی عمر شریفان در داخل و خارج کشور و در رابطه با اقشار گوناگون است. همچنین، حجم قابل توجهی از اقدامات بخش فرهنگی نیروی قدس، چه به صورت مستقیم و مباشرت و چه در قالب جهت‌دهی و حمایت از اقدامات فرهنگی نهادهای

اندیشه، روحیه و رفتار استکبارستیزی در میان ملل و نفوس منطقه. معرفی چهره صهیونیست‌ها و دولت آمریکا به ملل جهان، افشاء و یادآوری جنایات آن‌ها و تحلیل وضعیت سست و روبه‌زوال نظام سلطه در مقابل جبهه مقاومت، بخشی از شاخص‌های این محور از دیپلماسی فرهنگی سردار قدس است. محور سوم یعنی دفاع از ملت‌های تحت ستم منطقه نیز جلوه روشنی از اقدامات فرهنگی شهید سلیمانی و نیروی قدس است که نیازمند توضیح نیست.

آرزوهای سردار

یقیناً افق پیش روی سردار دل‌ها در عرصه دیپلماسی فرهنگی، بسیار وسیع‌تر و دوراندیشانه‌تر از آن چیزی است که در دوران حیات پربارش محقق شود. جمهوری اسلامی ایران اگر بخواهد مسیری را که شهید عزیز ما در این مقوله پایه‌گذاری کرد، با قوت ادامه بدهد، به نظر می‌رسد باید به تحول واقعی و بنیادین در هر چهار ساحت دیپلماسی فرهنگی اهتمام ورزد، در غیر این صورت در دنیای متشتت امروزی و در معرکه نابرابر حق و باطل، محتمل است که در حفظ دست برتر در منطقه و حتی موازنه قدرت، قافیه را ببازد و با تیره شدن چهره انقلاب و نظام اسلامی در اذهان مردم جهان، به خصوص مردم غرب آسیا و مسلمانان، زمینه مداخلات نظامی و امنیتی خویش را هم از دست بدهد. بر این اساس، پیشنهاد می‌شود نظام با تغییر و تحولاتی نظیر آنچه بیان خواهیم کرد، هرچه سریع‌تر وضعیت دیپلماسی فرهنگی خود را تقویت و تثبیت نماید.

جستجو کرد؛ سوم؛ افشاء و معرفی چهره ضد اخلاقی و ضد انسانی نظام سلطه و حکام مستبد منطقه و جهان.

وحدت، استکبارستیزی و حمایت از مظلوم؛ بیت الغزل دیپلماسی سردار

دیپلماسی فرهنگی، غالباً دارای چهار ساحت زیر است:

۱. بینشی - ارزشی؛
۲. روشی - برنامه‌ای؛
۳. نهادی - ساختاری؛
۴. کنشی - کارگزاری.

هریک از این ساحت‌ها، می‌تواند شامل چندین محور باشد که توضیح آن در این مجال نمی‌گنجد، اما ابتدا باید گفت، چنانچه مطالعه‌ای جامع و تفصیلی در سیره سردار سلیمانی صورت گیرد، اثبات خواهد شد که این مرد برجسته تاریخ معاصر در تمام محورها، دارای ایده، خلاقیت و حتی اقدام و تجربه موفق بوده است. از بین ده‌ها مؤلفه مذکور، می‌توان ادعا کرد که سه مؤلفه وحدت، استکبارستیزی و دفاع از مظلوم، بیشترین جایگاه را در اندیشه و رفتار دیپلماسی فرهنگی شهید سلیمانی داشته است. در محور وحدت، تعامل گسترده با علمای فرقه‌های مختلف، جلب قلوب جوانان کشورهای گوناگون اسلامی در قالب زینبیون (پاکستان)، فاطمیون (افغانستان)، حیدریون و... به محور مقاومت، از شواهد اولویت وحدت در نگاه فرمانده جبهه مقاومت بود. او همان قدر که در قلب جوانان غیور ایرانی جای داشت، در قلوب جوانان همه کشورهای اسلامی نیز از جایگاه و محبوبیت فوق‌العاده‌ای برخوردار بود. محور بعدی در دیپلماسی مکتب سلیمانی، عبارت است از تقویت و گسترش

راهکارهای ارتقای کمی و کیفی دیپلماسی فرهنگی

۱. اصلاح فرآیند شناسایی، جذب، آموزش، به‌کارگیری و نظارت بر عملکرد رایزنان فرهنگی جمهوری اسلامی از طریق تحول ساختاری و محتوایی در سازمان کهنه و ناکارآمد فرهنگ و ارتباطات اسلامی؛

۲. تقویت سرمایه مردمی و حلقه‌های میانی مؤثر در تبادلات فرهنگی هدفمند میان دولت‌ها، گروه‌ها و فرهیختگان کشورهای مختلف و کاهش حداکثری تصدی‌گری‌های رسمی و مستقیم حاکمیتی؛

۳. تقویت، گسترش و مصونیت‌سازی جبهه رسانه‌ای مقاومت؛

۴. افزایش نقاط مشترک فرهنگی میان دولت و ملت‌های همسو با انقلاب، نظام و جبهه مقاومت؛

۵. افزایش تبادلات فرهنگی بخش خصوصی و دولتی جمهوری اسلامی با سایر دول و ملل منطقه (در این مسیر، مقبولیت، محبوبیت و در یک کلام، عمق نفوذ استراتژیک شخصیت و نام شهید سلیمانی، سهم بی‌بدیلی خواهد داشت)؛

لازم به ذکر است که گسترش مقبولیت و محبوبیت سردار دل‌ها را می‌توان به سه مرحله تقسیم کرد:

۱. مرحله مقبولیت و محبوبیت سیاست‌ها و اقدامات

نیروی قدس و جبهه مقاومت، فارغ از نام و عنوان سردار سلیمانی؛ این مرحله خود را در ماجرای جنگ

۳۳ روزه لبنان و رژیم صهیونیستی و جنگ ۲۲ روزه

فلسطین و اسرائیل نشان داد. بسیاری از مردم منطقه و حتی ایران هم نمی‌دانستند که سلیمانی کیست و

در این پیروزی بزرگ، چه نقش و سهمی داشته است.

۲. مرحله مقبولیت و محبوبیت سردار سلیمانی به‌عنوان فرمانده شجاع و فکور جبهه مقاومت؛ اوج این مرحله که به رونمایی جهانی از نام و چهره سلیمانی منجر شد، در ماجرای جنگ دیپلماتیک کشورهای ۱+۵ بر سر پرونده هسته‌ای ایران رقم خورد. آنجا که در مقابل تهدیدات روزافزون اوپاما، نتانیاهو و یاران منطقه‌ای آن‌ها، حاج قاسم شهر به شهر سفر کرد و با صلابت مالک اشتر گونه، به ملت ایران اطمینان داد که هیچ قلدری قدرت حمله به کشور ایشان را ندارد. جملات تاریخی سردار در این زمینه از خاطرات فراموش ناشدنی ملت ایران در همان مرحله است؛ «چه غلطی کرده‌اید که امروز برای ما خط‌ونشان می‌کشید. نیروهای مسلح ایران نمی‌خواهد، من حریف شما هستم. نیروی قدس حریف شما است. بدانید هیچ شیئی نیست که ما نخواهیم (بخوابیم) و به شما فکر نکنیم. آقای ترامپ قمارباز، بدان در آنجا که فکر نمی‌کنی ما نزدیک شما هستیم. ما ملت شهادتیم. ما ملت امام حسینیم، بیا! ما منتظریم. مرد این میدان، ما هستیم برای شما. شما نمی‌دانید این جنگ یعنی نابودی تمام امکانات شما. این جنگ را شما شروع می‌کنید اما پایان آن را ما ترسیم می‌کنیم».

۳. مرحله سوم نیز پس از شهادت این سردار بی‌بدیل آغاز شد؛ نخست با پیام مقام معظم رهبری و تأکید ایشان بر انتقام سخت و سپس، تشییع چهل میلیونی و بی‌نظیر در تاریخ که توانست جان‌ها و ذهن‌ها را متوجه مکتب سلیمانی کند.